

مقایسه درمان ۴ و ۸ هفته‌ای فلوکستین و ایمپرومین روی قند خون ناشتا در بیماران افسردگی اساسی

دکتر بهمن صالحی^۱، دکتر فرهاد غنی سنجانی^۲

۱- استادیار گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران (مؤلف مسؤول) تلفن تماس: ۰۸۶۱-۳۱۳۵۰۷۵ basalehi@yahoo.com

۲- پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

چکیده

زمینه و هدف: افسردگی یکی از قدیمی‌ترین، شایع‌ترین و شدیدترین اختلالات خلقی روانپزشکی می‌باشد. خطر ابتلا به این اختلال در زنان ۲۵-۱۰ درصد و در مردان ۱۲-۵ درصد می‌باشد. چون دیابت و عوارض آن در ایجاد افسردگی مؤثر است و افسردگی نیز در بوجود آمدن دیابت نقش دارد، لذا کنترل قند خون در بیماران افسرده و دانستن تأثیر داروهای ضد افسردگی روی قند خون کمکی به این بیماران می‌باشد. این مطالعه جهت مقایسه اثر فلوکستین و ایمپرومین روی قند خون ناشتای بیماران افسردگی اساسی در اراک طراحی شده است.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه کارآزمایی بالینی است که به صورت تصادفی از بین بیماران افسردگی اساسی مراجعه کننده به مرکز درمانی شهید هاشمی سنجانی اراک، بر اساس معیارهای تشخیصی DSM-IV-TR انتخاب شده و در دو گروه ۴۰ نفری A (روزانه ۲۰ mg فلوکستین) و B (روزانه ۱۰۰ mg ایمپرومین) قرار گرفتند. از بیماران در سه نوبت (قبل از شروع درمان، ۴ و ۸ هفته بعد از درمان قند خون ناشتا اندازه‌گیری شد. بعد از جمع‌آوری داده‌ها از آزمونهای آمار توصیفی و K-S (کلموگرونف-اسمیرنوف)^۱، آزمون T دو گروه وابسته^۲، T مستقل^۳ تجزیه و تحلیل بعمل آمد. اصول اخلاقی هلسینکی در کلیه مراحل تحقیق رعایت شد. $p < 0/05$ معنی‌دار به حساب می‌آمد.

یافته‌ها: اختلاف آماری معنی‌داری بین میانگین قند خون ناشتا بین دو گروه A و B در نوبت اول و دوم بدست نیامد در صورتیکه در نوبت سوم معنی‌دار بود ($p < 0/01$). اما اختلاف بین نوبت اول و دوم گروه A معنی‌دار نبود ($p > 0/05$)، هر چند کاهش معنی‌داری در میانگین قند خون ناشتا نوبت اول و سوم گروه A وجود داشت ($p < 0/05$). همچنین افزایش معنی‌داری در میانگین قند خون ناشتا نوبت دوم و سوم نسبت به میانگین قند خون ناشتا نوبت اول در گروه B وجود داشت ($p < 0/05$).

نتیجه‌گیری: در بیماران افسردگی اساسی پس از ۸ هفته درمان با فلوکستین کاهش قند خون ناشتا نسبت به ایمپرومین داریم و پس از ۴ و ۸ هفته درمان با ایمپرومین افزایش قند خون ناشتا مشاهده می‌شود. بنابراین در بیماران افسرده هیپوگلیسمیک (دیابتیک) فلوکستین و در بیماران افسرده هیپوگلیسمیک ایمپرومین توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: افسردگی، افسردگی اساسی، فلوکستین، ایمپرومین، قند خون ناشتا

وصول مقاله: ۸۸/۱/۱۵ اصلاحیه مقاله: ۸۸/۴/۲۸ پذیرش مقاله: ۸۸/۵/۶

مقدمه

افسردگی یکی از قدیمی‌ترین و شایعترین اختلالات روان‌شناختی و قابل توجه شخصی-اجتماعی می‌باشد، که تاریخچه‌ای قدیمی دارد (۱ و ۲). شیوع اختلالات افسردگی در زنان ۲۵-۱۰٪ و در مردان ۱۲-۵٪ به طور متغیر می‌باشد (۱).

بسیاری از اختلالات عصبی و داخلی و مواد فارماکولوژیک می‌توانند علائم افسردگی ایجاد کنند. تغییرات گوناگون در مصرف غذا و میزان استراحت نیز موجب وخامت بیماریهایی مثل دیابت و فشار خون می‌گردند (۱). در مطالعات مختلف اثر متقابل افسردگی و دیابت مطرح شده است، بنابراین تنظیم سطح قند خون در بیماران افسرده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (۳-۶). همچنین در مطالعات زیادی آثار متفاوتی برای انواع داروهای ضد افسردگی روی سطح قند خون ذکر گردیده است. به طوری که ضد افسردگی‌های مهارکننده منوآمینو اکسیداز (MAOI) و مهارکننده‌های اختصاصی سروتونین (SSRI) را کاهنده سطح قند خون و ضد افسردگی‌های چند حلقه‌ایی (T.C.A) را افزایشدهنده قند خون معرفی کرده‌اند (۷).

در پژوهشی که در سال ۲۰۰۴ توسط سیمون و کاتون در واشنگتن انجام شد میزان افسردگی در بیماران تحت مراقبت‌های اولیه دیابت و ابتلای، همزمان افسردگی و دیابت و کیفیت مراقبت از افسردگی در یک دوره ۱۲ ماهه بررسی شدند. نتایج نشان می‌داد ۱۵-۱۱٪ دیابتی‌ها افسردگی داشتند و افسردگی با عدم کنترل قند خون همراه بود (۳). در مقاله دیگری در سال ۲۰۰۴ توسط واندن آکر و شوارمن در هلند بر روی افراد افسرده اساسی و سالم از نظر دیابت نوع II مورد بررسی قرار گرفتند که نشان می‌داد که مردان ۵۰-۲۰ ساله افسرده

نسبت به گروه کنترل ۷۸ درصد بیشتر در معرض دیابت نوع II هستند (۴).

ضد افسردگی‌های چند حلقه‌ای و مهارکننده‌های اختصاصی باز جذب سروتونین و مهارکننده‌های منوآمینو اکسیداز داروهای مؤثر در اختلال خلقی افسردگی می‌باشند (۷ و ۱). طبق بررسی که در سال ۲۰۰۶ توسط مکینتری و همکاران در تورنتو کانادا انجام شد، نشان داد برخی ضد افسردگی‌ها اثر آشکاری روی متابولیسم، درمان و هم عوارض دیابت دارند. داروهای ضد افسردگی سرتونرژیک (مانند فلتوکستین) باعث افزایش حساسیت به انسولین و نرمال شدن هموستاز گلوکز و کاهش سطح قند خون می‌شوند و داروهای نورآدرنرژیک (مانند ایمی پرامین) با اثر متضاد باعث افزایش قند خون می‌گردند. داروهای دارای هر دو اثر (سرتونرژیک و نورآدرنرژیک) مانند ونلافاکسین و دو لوکستین اثری روی قند خون ندارند. داروهای گروه MAOI (مثل فنلزین) باعث افزایش مصرف گلوکز و کاهش قند خون می‌شوند (۸). بر اساس مطالعه دیگری که در سال ۱۹۹۷ در امریکا توسط گود نیک و همکارانش انجام شد، افسردگی در بیماران دیابتی مکرراً رخ می‌دهد، به دنبال تحقیقاتی که از سال ۱۹۶۶ تا سال ۱۹۹۳ در مورد دیابت و سطح گلوکز خون و افسردگی و داروهای ضد افسردگی صورت گرفت، نتایج حاکی از این بود که شیوع افسردگی در دیابتی‌ها بین ۲۷/۳-۸/۵ درصد و شدت افسردگی با علائم دیابت مرتبط بود. MAOIs ها با اثر گلوکونوزنز هیپوگلیسمی می‌دهند، داروهای دو پا مینرژیک و نورآدرنرژیک، هیپرگلیسمی می‌دهند و سرتونرژیکها هم تا ۳۰ درصد قند خون ناشتا را کاهش می‌دهند. TCA ها هم به خاطر طلبیدن کربوهیدرات (۸۶ تا ۲۰۰ درصد) افزایش قند خون ایجاد

بر روی سطح قند خون ناشتا بگذارند و از طرف دیگر انجام فقط یک مطالعه در ایران و آنهم در تهران، این مطالعه به مقایسه تغییرات سطح قند خون ناشتا در افراد افسردگی اساسی تحت درمان با داروهای ضد افسردگی فلوکستین و ایمپ پرامین با میزان دوز ثابت (۲۰ میلی گرم و ۱۰۰ میلی گرم) و در اراک انجام شد (۸-۱۴).

روش بررسی

این پژوهش کار آزمایشی بالینی تصادفی شده موازی، است که در سال ۱۳۸۵ انجام شد، جامعه مورد آزمون از بین بیماران افسردگی اساسی مراجعه کننده به مطب خصوصی مجری طرح و درمانگاه اعصاب و روان شهید هاشمی سنجانی اراک بر اساس ملاک‌های تشخیصی DSM-IV-TR بودند که به صورت یک در میان توسط مجری طرح در گروه‌های فلوکستین (گروه A) و ایمپ پرامین (گروه B) قرار گرفتند. حجم نمونه بر اساس $\alpha=5\%$ ، $p_1=0.63$ ، $p_2=0.82$ (پیش فرض‌های مطالعات قبلی)، $Case/Control=1$ با $odd\ ratio=0.025$ (در مطالعات قبلی) نفر در هر گروه تعیین شد.

معیارهای ورود به مطالعه علاوه بر تشخیص افسردگی اساسی، نداشتن دیابت یا سابقه خانوادگی آن، عدم استفاده از داروهای مؤثر بر روی قند خون، عدم داشتن سابقه بیماری‌های قلبی، کلیوی و کبدی، سن بین ۵۰-۲۰ سال، نداشتن هیچگونه منعی برای استفاده از فلوکستین و یا ایمپ پرامین، عدم دریافت داروهای ضد افسردگی یا الکتروشوک در سه ماهه اخیر بود. معیارهای خروج شامل: حساسیت به دارو، قطع دارو توسط بیمار، عدم مراجعه و عدم تمایل بیمار جهت ادامه درمان و یا انجام آزمایشات قند خون، عدم پاسخ درمانی

و داروهای SSRI نسبت به MAOI در بیماران دیابتی ارجح می‌باشند (۹).

همچنین بر اساس پژوهشی که در سال ۱۳۸۳ توسط قائلی و همکارانش در تهران انجام گرفت، ۶۰ بیمار غیر دیابتی که بر طبق معیارهای DSM-IV دچار افسردگی اساسی بودند در یک مطالعه دوسوکور به طور تصادفی در دو گروه فلوکستین ۲۰-۴۰ میلی گرم در روز و ایمپ پرامین ۲۰-۷۵ میلی گرم در روز برای مدت ۸ هفته قرار گرفتند و سطح قند خون ناشتای آنها در سه نوبت پایه، بعد از چهار و هشت هفته از درمان اندازه‌گیری شد. در گروه فلوکستین میانگین قند خون ناشتا پایه $88/5\text{mg/dl}$ و بعد از چهار هفته درمان $79/8\text{mg/dl}$ با $(p=0/75)$ و بعد از ۸ هفته درمان $79/8\text{mg/dl}$ با $(p<0/001)$ بود. گروه ایمپ پرامین میانگین قند خون ناشتای پایه $86/96\text{mg/dl}$ و بعد از چهار هفته درمان $89/71\text{mg/dl}$ با $(p=0/79)$ و بعد از ۸ هفته درمان $96/9\text{mg/dl}$ با $(p<0/001)$ که قند خون ناشتا در گروه فلوکستین کاهش و در گروه ایمپ پرامین افزایش یافته بود. محققین به این نتیجه رسیدند که در طول درمان بیماران افسرده با ایمپ پرامین یا فلوکستین، قند خون ناشتا باید مونیتور شوند (۱۰).

با توجه به اینکه هر یک از دسته داروهای ضد افسردگی SSRI (اعم از فلوکستین، سرتالین، پاروکستین، فلووکسامین و ...) و ضد افسردگی‌های چند حلقه‌ای (ایمپ پرامین، نور تریپتیلین، تریمیپرامین و ...)، با دوزهای خاص، میزان زمان خاص (از دو هفته تا شش ماه در مطالعات مختلف)، در مکان‌های مختلف از نظر شرایط جغرافیائی و متابولیسم و تنوع رژیم غذایی در مناطق مختلف، تأثیر عوامل نژادی در متابولیسم اثر این داروها و همچنین نوع دیابت که می‌تواند اثرات متفاوتی

مراحل تحقیق متعهد به رعایت اصول اخلاقی اعلامیه هلسینکی بودند.

یافته‌ها

از ۴۰ نفر گروه A و گروه B در سه نوبت آزمایش قند خون ناشتا انجام شد و درمان را ادامه دادند، وضعیت دموگرافیک افراد مورد مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است.

از ۴۰ نفر گروه A، ۱۸ نفر (۴۵ درصد) افسردگی حاد و ۲۲ نفر (۵۵ درصد) افسردگی مزمن و از ۴۰ نفر گروه B، ۱۷ نفر (۴۲/۵ درصد) افسردگی حاد و ۲۳ نفر (۵۷/۵ درصد) افسردگی مزمن داشتند.

میانگین و انحراف معیار سه نوبت قند خون ناشتا در گروه‌های A و B در جدول ۲ مشاهده می‌شود که اختلاف آماری معنی‌داری بین میانگین قند خون ناشتا پایه و نوبت دوم در دو گروه A و B وجود ندارد اما اختلاف آماری معنی‌داری در نوبت سوم بین دو گروه وجود دارد (جدول ۲). همچنین اختلاف آماری معنی‌داری بین میانگین قند خون ناشتای نوبت اول و دوم گروه A با $p > 0/05$ دیده نشد. ولی اختلاف آماری معنی‌داری بین میانگین قند خون ناشتای نوبت اول و سوم گروه A با $p < 0/05$ وجود داشت.

همچنین اختلاف آماری معنی‌داری بین میانگین قندخون ناشتای نوبت اول و دوم گروه B با $(p < 0/01)$ و قند خون ناشتای نوبت اول و سوم آن با $(p < 0/001)$ وجود داشت.

و تغییر دارو و باردار بودن بود. درمان برای افرادی که در گروه فلوکستین (A) قرار می‌گرفتند، با یک کپسول فلوکستین ۲۰ میلی‌گرمی شرکت داروسازی آریا شروع و ادامه می‌یافت برای افراد گروه ایمی پرامین (B) از قرصهای ایمی پرامین ۲۵ میلی‌گرمی ساخت شرکت داروسازی سبحان که با ۵۰ میلی‌گرم شروع و در هفته دوم به ۱۰۰ میلی‌گرم رسانده می‌شد و سپس ادامه می‌یافت. جهت کاهش اضطراب و بی‌خوابی به هر دو گروه روزانه ۱۰ میلی‌گرم کلردیازپوکساید شرکت داروسازی سبحان داده می‌شد.

قند خون ناشتا بیماران با توصیه‌های خاص غذایی شب قبل از آزمایش طی سه نوبت: قبل از شروع دارو، (نوبت اول) بعد از چهار هفته درمان (نوبت دوم) بعد از هشت هفته درمان (نوبت سوم) در آزمایشگاه درمانگاه شهید هاشمی سنجانی بر اساس کیت شرکت زیست-شیمی و با استفاده از دستگاه اسپکتروفتومتر APEL با طول موج ۵۵۰-۴۹۰ نانومتر توسط یک تکنسین مشخص (زیر نظر آزمایشگاه رفرانس دانشگاه علوم پزشکی اراک) انجام و نتایج ثبت می‌گردید. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، ضریب اطمینان و K-S (کلموگرونف-اسمیرونف) جهت بررسی میزان قند خون ناشتا در دو گروه از نظر توزیع نرمال بودن یا نبودن و آزمون T مستقل جهت بررسی اختلاف آماری بین میانگین‌های بین دو گروه A و B و از T وابسته (T زوج) جهت بررسی وجود اختلاف آماری بین میانگین‌های میزان قند خون پایه با نوبت دوم و سوم هر گروه تجزیه و تحلیل شدند. $p < 0/05$ معنی‌دار تلقی و محققین در کلیه

جدول ۱: وضعیت دموگرافیک دو گروه افسردگی اساسی درمان با فلوکستین و ایمپیرامین در مرکز روانپزشکی شهید هاشمی سنجانی اراک

وضعیت دموگرافیک	جنس		سن		محل زندگی			تاهل			نوع افسردگی	
	زن	مرد	زیر ۲۰ سال	۲۰ تا ۵۰ سال	بالای ۵۰ سال	ساکن شهر	ساکن روستا	متاهل	مجرد	بیوه	حاد	مزمن
گروه												
A	۳۱	۷	۱۷/۵	۱۷/۵	۷	۱۷/۵	۷	۱۷/۵	۶	۱۵	۲	۵
B	۳۱	۵	۱۷/۵	۱۷/۵	۵	۱۷/۵	۱۵	۴۱	۴	۱۰	۱	۵

جدول ۲: میانگین قند خون ناشتا در سه نوبت بیماران افسردگی اساسی، تحت درمان فلوکستین و ایمپیرامین در مرکز روانپزشکی شهید هاشمی سنجانی اراک (N=40)

نوبت	نام دارو	میانگین \pm انحراف معیار	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات	P. Value
		S.D \pm Mean	Minimum	Maximum	Range	
نوبت اول (پایه)	فلوکستین	۹۶/۳۷۵ \pm ۱۲/۶۲	۶۷	۱۳۰	۶۳	۰/۰۶۲
نوبت دوم (بعد از ۴ هفته)	ایمپیرامین	۹۱/۶۰ \pm ۱۰/۲۲	۶۹	۱۰۸	۳۹	۰/۲۵۴
نوبت سوم (بعد از ۸ هفته)	فلوکستین	۹۴/۹۲۵ \pm ۹/۰۶	۷۵	۱۱۰	۳۵	۰/۰۰۱
	ایمپیرامین	۹۷/۱۲۵ \pm ۹/۱۲	۷۳	۱۲۸	۵۵	
	فلوکستین	۹۱/۹۷۵ \pm ۱۰/۲۴	۷۵	۱۱۰	۳۵	
	ایمپیرامین	۹۸/۴۵ \pm ۷/۲۸	۸۲	۱۱۵	۳۳	

بحث

گروه A نسبت به میانگین قند خون ناشتای پایه یعنی قبل از شروع درمان با $p=0/039$ کاهش نشان می‌دهد، که با مطالعات انجام شده توسط گودنیک و همکاران در آمریکا (۹) و مکتوری و همکاران در کانادا (۸) و مصباحی و شاهسونند در تهران هم خوانی دارد (۱۰). اما با مطالعه انجام شده توسط او زویان و وارن در سال ۱۹۹۵ در ترکیه هم خوانی ندارد (۶).

با توجه به نتایج سه نوبت آزمایش قند خون ناشتا بدست آمده در گروههای A و B میانگین قند خون ناشتای به دست آمده در نوبت سوم آزمایش یعنی بعد از ۸ هفته درمان به صورت معنی‌داری تفاوت دارند ($p<0/001$)، اما تفاوت میانگین قند خون ناشتا در نوبت اول و دوم بین دو گروه تفاوت معنی‌دار ندارند (جدول ۲). اگرچه تفاوت میانگین قند خون ناشتا نوبت سوم

چه همانند تحقیق صورت گرفته در تهران در تحقیق ما نیز پس از ۴ هفته درمان با فلئوکستین میانگین قند خون ناشتا بدست آمده نسبت به میانگین قند خون ناشتا قبل از شروع درمان کاهش معنی‌داری ندارد. همچنین میانگین قند خون پایه و چهار هفته بین دو گروه بعد از درمان نیز معنی‌دار نمی‌باشد (۱۰). عطف به این نتایج می‌توان گفت در بیماران افسردگی اساسی پس از ۸ هفته درمان با فلئوکستین کاهش قند خون ناشتا و پس از ۴ و ۸ هفته درمان با ایمپرومپرامین افزایش قند خون ناشتا داریم و در مورد اثر ۴ هفته درمان با فلئوکستین روی قند خون ناشتا نیاز به مطالعات بیشتر و با حجم نمونه‌های زیادتر می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج حاصله از این مطالعه می‌توان گفت در بیماران افسرده اساسی با قند خون بالا فلئوکستین و در بیماران افسرده اساسی با قند خون پائین ایمپرومپرامین توصیه می‌شود و در بیماران با قند نرمال در صورت تجویز فلئوکستین، مصرف گلوکز بیشتر و در صورت تجویز ایمپرومپرامین، مصرف گلوکز کمتر توصیه می‌شود.

پیشنهاد می‌گردد تحقیقات دیگر با محدود کردن و معین کردن رژیم غذایی (گلوکز مصرفی) و حجم نمونه‌های زیادتر و در نواحی دیگر با توجه به متابولیسم بدنی و تغذیه بومی انجام پذیرد و همچنین تحقیقات دیگری با در نظر گرفتن متغیرهایی مثل کلسترول و تری‌گلیسیرید و ... و همچنین اثر داروهای ضد افسردگی مختلف با سطح دوزهای متفاوت روی این متغیرها انجام گیرد.

در گروه B میانگین قند خون ناشتای بدست آمده در نوبت دوم و سوم آزمایش نسبت به نوبت پایه افزایش معنی‌داری نشان می‌دهد ($p < 0/001$)، که با مطالعات انجام شده در آمریکا و در کانادا هم خوانی دارد (۸ و ۹).

درمان ۸ هفته‌ای با فلئوکستین با کاهش معنی‌داری در میانگین قند خون ناشتای بدست آمده نسبت به میانگین قند خون ناشتای قبل از شروع درمان همراه است ($p = 0/039$). همچنین درمان ۸ هفته‌ای با ایمپرومپرامین با افزایش معنی‌داری ($p = 0/003$) میانگین قند خون ناشتای بدست آمده نسبت به میانگین قند خون ناشتای قبل از درمان همراه است.

همانند تحقیقات صورت گرفته توسط گودنیک و همکاران در آمریکا که SSRIها را کاهنده و TCAها را افزایش دهنده سطح قند خون معرفی کرده‌اند و مشابه تحقیقات صورت گرفته در کانادا که داروهای سروتونرژیک (مانند فلئوکستین) را کاهنده و داروهای نورآدرنرژیک (مانند ایمپرومپرامین) را افزایش دهنده قند خون معرفی کرده‌اند، در تحقیق ما نیز نتایج مشابهی به دست آمده است (۱۶-۱۲ و ۹ و ۸).

این تحقیق با تحقیق انجام شده در ترکیه بر روی موشها که فلئوکستین را کاهنده قند خون و نورتریپتیلین (از TCAها) را افزایش دهنده قند خون معرفی کرده‌اند نیز مطابقت دارد (۶).

تحقیق ما در مقایسه با تحقیق مشابه در سال ۲۰۰۴ در تهران نتایج مشابه داشته است. اما در تحقیق ما بر خلاف تحقیق صورت گرفته در تهران حتی پس از ۴ هفته درمان با ایمپرومپرامین هم افزایش معنی‌داری در میانگین قند خون ناشتای بدست آمده نسبت به میانگین قند خون ناشتای قبل از شروع درمان دیده می‌شود. اگر

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از جناب آقای دکتر رفیعی کارشناس محترم آمار و کلیه همکارانی که در بیمارستان شهید هاشمی سنجانی از جمله کادر پرستاری، مسئول محترم آزمایشگاه، مدیر محترم این مرکز و کلیه بیمارانی که در این تحقیق

همکاری داشته‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود. ضمناً این پژوهش برگرفته از یک پایان نامه دوره دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اراک می‌باشد.

References

1. Poorafcari N, In translation of Synopsis of Psychiatry, Sadock BJ, Sadock VA, (Writers) 2ed ,ed, Tehran, Shahre Aab Publishers, Volume 2, 95-150.
2. Mashaechi A, A Determination of Depression in Medical Students of Arak University of Medical Sciences, [Dissertation], Arak, Medical University, 1377-78.
3. Katon WJ, Simon G, Russo j, Vonkorff M, Lin LH, Ludman E, et al. Quality of Depression Care In A Population based sample of patient with Diabetes and major depression Med care 2004; 42: 1222-9.
4. Van den Akker M, Schuurman A, Metsemakers J, Buntinx F. Is depression related to subsequent Diabetes Mellitus? Acta psychiatr Scand 2004; 110: 178-83.
5. Katon WJ, Vankroff M, Ciechanowski P, Russo J, Lin E, Simon G, et al. Behavioral And Clinical Features Associated With Depression Among Individuals With Diabetes. Diabetes Care 2004; 27: 914-20.
6. Eren I, Erdi O, Ozcankaya R. Relationship between Blood Glucose Control and Psychiatric Disorder in type II Diabetic Patient. Turk Psikiyatri Derg 2003; 14: 184-91.
7. Malek Allaei M, Jahangiri B, In translations of Basic and clinical Pharmacology, Vebetran J, Katzoong (Writers), 1st ed, Tehran, Nasse Farda Publishers, 1383, Volume 1, 609-625.
8. McIntyre RS, Soczynska JK, Konarski JZ, Kennedy SH. The effect of antidepressants on glucose homeostasis and insulin sensitivity: synthesis and mechanisms. Expert Opin Drug Saf 2006; 5: 157-68.
9. Good nick PJ, Henry JH, Buki VM. Treatment of depression in patient with diabetes mellitus. J Clin Psychiatry 1995; 56: 128-36.
10. Ghaeli P, Shahsavand E, Mesbahi M, Kamkar MZ, Sadeghi M, Dashti-khavidaki. Scampering the effects of 8-weeks treatment with flouxetine and imipramine on fasting blood glucose of patients with major depressive disorder. J Clin Psychopharmacol 2004; 24: 386-8.
11. Good Nick PJ. Use of Antidepressants in treatment of comorbid diabetes mellitus and depression as well as in diabetic neuropathy. Ann Clin Psychiatry 2001; 13: 131-41.
12. Lust man PJ, Griffith LS, Freed land KE, Clouse RE. The course of major depression in diabetes. Gen Hosp psychiatry 1997; 19: 138-43.
13. Warnock JK, Multzig EM. Diabetes mellitus and major depression: considerations for treatment of Native Americans. Jokla State Med Assoc 1998; 91: 488-93.
14. Erenmemisoglu A, Ozdogan UK, Saraymen R, Tutus A. Effect of some antidepressants on hyper glycaemia and insulin level of normoglycaemic and Allegan-include hyperglycemic mice. J Pharm Pharmacol 1999; 51: 741-3.
15. Mussel man DL, Betan E, Larsen H, Philips LS. Relationship of depression to diabetes types 1 and 2: epidemiology, biology and treatment. Biol Psychiatry 2003; 54: 317-29.
16. Katon WJ, Vonkorff M, Lin EH, Simon G, Ludman E, Russo J, et al. The path ways study: a randomized trial of collaborative care in patients with diabetes and depression. Arch Gen psychiatry 2004; 61: 1042-9.